



افزایش طلاق و عدم تمایل مجردان به ازدواج

درست جلوی در دادگاه خانواده میدان ونک از ماشین پیاده می‌شوم. قرارمان با دوستم طبقه پنجم دادگاه است. قرار است من در دادگاه نفقه او حاضر شوم و شهادت بدهم...

فرهیختگان در گزارشی نوشت:

درست جلوی در دادگاه خانواده میدان ونک از ماشین پیاده می‌شوم. قرارمان با دوستم طبقه پنجم دادگاه است. قرار است من در دادگاه نفقه او حاضر شوم و شهادت بدهم که همسرش در دخل و خرج خانه نقش بسزایی نداشته است. ساختمان آنقدر قدیمی است که می‌ترسم با یکی دیگر از توفان‌هایی که قرار است در شهر بدون اطلاع قبلی شروع به وزیدن کند، بر سرمان خراب شود. جلوی تنها آسانسور دادگاه ایستاده‌ام؛ آسانسوری که به زحمت جای چهار نفر می‌شود ولی حداقل 50 نفر در صف ایستاده‌ایم.

زن جوانی به همراه خانم دیگری که از ظواهر امر معلوم است وکیل اوست پشت سر من ایستاده‌اند. زن به وکیلش می‌گوید: «می‌خوام هرطور شده توی محضری جدا بشم که همون‌جا عقد کردم...» وکیلش و من خیلی با تعجب به او نگاه می‌کنیم و وکیلش می‌گوید: «چرا؟» می‌گوید: «برام مهمه... محضر سلسبیل بود...» وکیل می‌گوید: «تو فردا صبح می‌تونی طلاق بگیری. الان اینجا که کار تموم شد آژانس بگیر برو اونجا ببین آیا خطبه طلاق هم اونجا جاری می‌شه یا نه؟» زن با اعتمادبه‌نفس می‌گوید: «حتما. البته قبلش هم می‌خوام برم آرایشگاه... می‌خوام فردا توی محضر بدرخشم...» خیلی آرام از او می‌پرسم: «چند ساله ازدواج کردی؟» بی‌تفاوت یک حساب سرانگشتی می‌کند و می‌گوید: «هشت سال...»

چند هفته پیش علی‌اکبر محزون مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت‌احوال کشور هشدار داد که 46 درصد از مردان ایرانی از سن ازدواج عبور کرده و به مرحله «تجرد قطعی» رسیده‌اند. محزون گفت: «آقایان در سن ازدواج کشور با طیف سنی 20 تا 34 سال شامل 12 میلیون و 70 هزار نفر می‌شوند که از این تعداد پنج میلیون و 570 هزار نفر هرگز ازدواج نکرده‌اند. تمامی خانم‌های در سن ازدواج کشور با طیف سنی 15 تا 29 سال شامل 11 میلیون و 790 هزار نفر می‌شوند. از این تعداد پنج میلیون و 670 هزار خانم هرگز ازدواج نکرده‌اند. بنابراین 48 درصد خانم‌های در سن ازدواج کشور هرگز ازدواج نکرده‌اند. 62 هزار مرد و 90 هزار زن در کشور هستند که تا 50 سالگی ازدواج نکرده‌اند که مجموعاً تعداد آقایان و خانم‌های در سن تجرد قطعی به 152 هزار نفر می‌رسد.»

آمار روبه رو رشد طلاق

به گفته مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت‌احوال کشور براساس آخرین آمار جمع تمام ازدواج نکرده‌ها در کشور 12 میلیون و 692 هزار نفر است که این افراد در سه گروه «افراد در سن ازدواج که هنوز ازدواج نکرده‌اند»، «افراد در سن خطر تجرد قطعی» و «افراد در سن تجرد قطعی» قرار می‌گیرند و در مجموع 14 میلیون و 992 هزار نفر آمار تمامی مجردان در کشور است. اما این همه ماجرا نیست. آمار طلاق در ایران هم رو به افزایش است. علی‌اکبر محزون، مدیر مرکز آمار ایران در گفت‌وگو با فرهیختگان، وضعیت افزایش طلاق را در ایران مطابق آمار تشریح می‌کند. او می‌گوید: «در سال 1365 در برابر هر 340 هزار ازدواج، 30 هزار طلاق در کشور ثبت شد. البته این آمار در سال 1375 افزایش داشت و به 479 هزار ازدواج در برابر 37 هزار و 817 طلاق رسید. این آمار در سال 1381 باز هم افزایش داشت؛ یعنی آمار ازدواج به بالای 650 هزار و آمار طلاق به بالای 67 هزار نفر رسید.» محزون تاکید می‌کند که البته این آمار مربوط به طلاق بنا به دلایل عدم ثبت در دفاتر ممکن است دچار کم‌شماری بشود اما آمار می‌گوید که ما در بین سال‌های 1365 تا 1385 با افزایش طلاق مواجه بوده‌ایم.»

در دادگاه روبه‌روی قاضی ایستاده‌ام و به قرآن قسم یاد می‌کنم و منتظرم قاضی سوالاتش را بپرسد. همسر دوستم به شدت عصبانی است و من سعی می‌کنم او را نبینم. قاضی سوال می‌کند که چقدر مطمئنم که مرد خانواده در خرج خانه کمک نمی‌کند. دیده‌ها و شنیده‌های این زندگی چند ساله را که برای قاضی تعریف می‌کنم مرد عصبانی می‌شود و فحاشی می‌کند. او را از دادگاه بیرون می‌کنند و دوباره سوالات از سر گرفته می‌شود.

جوانان و میل به ازدواج

یکی از کافه‌های معروف تهران در شهرک غرب جایی است که جامعه آماری من محسوب می‌شود. در کافه نشسته‌ام و به فرم‌هایی که از دیروز در کافه گذاشته‌ام و عده‌ای از سر لطف آن را پر کرده‌اند، نگاه می‌کنم. از 100 فرمی که در کافه گذاشته‌ام 68 فرم پر شده است. از این 68 فرم تنها پنج فرم را متاهلان پر کرده‌اند و 63 فرم متعلق به مجردها است. از 63 مجردی که فرم را پر کرده‌اند، 51 نفر بالای 30 سال هستند و 43 نفر نیز سطح تحصیلاتشان بالای مدرک کارشناسی است. 37 نفر از این مجردها هم در خانه‌های مجردی و دور از خانواده زندگی می‌کنند. پنج متاهلی که فرم‌شان را پر کرده‌اند به سوال اول فرم یعنی اینکه آیا با همسران به کافه آمده‌اید، جواب منفی داده‌اند. چهار نفر آنها از زندگی مشترک‌شان راضی نیستند. از 63 مجرد تنها 10 نفر مایل هستند که ازدواج کنند. دلایل اصلی عنوان شده توسط کسانی که تمایلی به ازدواج ندارند این است که آنها مطمئن هستند زندگی‌شان پایان خوشی ندارد و به طلاق منجر خواهد شد. عدم امکانات مالی مناسب و نداشتن مسکن هم در رده‌های دوم این دلایل قرار دارد. محمد صاحب کافه است و از درآمد ماهیانه 12 میلیونی خودش هم راضی است. 35 ساله است و کارشناسی ارشد رشته نقاشی دارد. محمد حتی ذره‌ای هم به ازدواج فکر نمی‌کند. او می‌گوید: «من از ساعت 7 صبح تا 12 شب اینجا هستم. برای همین عملاً وقتی؛ حتی برای میهمانی رفتن برایم باقی نمی‌ماند. ضمن اینکه می‌دانم زندگی مشترک یعنی بسته شدن دست و پا، چرا باید خودم را پایبند به چیزی بکنم که در آخرش با پرداخت هزار سکه به‌عنوان مهریه و طلاق تمام می‌شود؟»

هزار راه نرفته

حسین باهر جامعه شناس، درباره عدم تمایل جوانان به ازدواج و افزایش آمار طلاق می‌گوید: «ماجرای یک حساب ساده دودوتا چهار تاست. اینکه ما دلمان نمی‌خواهد برای تشکیل زندگی به خودمان زحمت بدهیم. جوان‌ها می‌گویند به تنهایی زندگی کردن حداقل این مزیت را دارد که نباید جوابگوی کسی باشی. توقع خانم‌ها به نظر آنها بالا رفته و همین‌طور نبودن امنیت شغلی و عدم امکانات مناسب باعث می‌شود آنها نتوانند به آینده زندگی‌شان امیدوار باشند.» باهر می‌افزاید: «این یک اصل است؛ اینکه مدت‌هاست آموزه‌های دینی ما فراموش شده و نمی‌دانیم که ازدواج تکمیل‌کننده نیمی از ایمان همه ماست. این همان چیزی است که نباید فراموش کرد. خانواده‌ها باید دست فرزندان‌شان را در راهی که فراز و نشیب فراوان دارد، بگیرند. آنها اگر در کنار فرزندان‌شان باقی بمانند دیگر ترس از ازدواج مفهوم خاصی نخواهد داشت.»

شهرزاد افخمی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی نیز می‌گوید: «مهریه‌های بالا، عروسی‌های مجللی که به تازگی مد شده است، درخواست جهیزیه‌های چندصد میلیونی و ماه عسل‌های رویایی اولین خوانی است که باید جوانان رد کنند. به نظر شما چند درصد جوانان توانایی پرداخت این هزینه‌ها را دارند و حاضرند این هزینه‌ها را پرداخت کنند. وقتی حتی یک وام پنج میلیونی ازدواج را از آنها دریغ می‌کنیم، وقتی جوانان ما شرایط درستی برای ثبات یک زندگی دو نفره ندارند، وقتی اگر تن به ازدواج هم بدهند ترجیح می‌دهند دیگر به بچه‌دار شدن فکر نکنند بنابراین ازدواج نمی‌کنند چراکه آنها از هزینه‌ها می‌ترسند.»

حالا یک ماهی از ماجرای دادگاه خانواده گذشته است. دوستم حکم طلاق را گرفته است تماس می‌گیرد و می‌گوید مهریه و نفقه و اجرت‌المثل را بخشیده است. فردا برای طلاق وکیلش به نمایندگی او به محضر می‌رود. دوستم می‌گوید: «مغز بچه‌هایم را شست‌وشو داده بود که برای گرفتن این پول‌ها طلاق می‌خواستم. خواستم به بچه‌هایم ثابت کنم که ماجرا راحتی خودم در زندگی است.»